امید برای ایران: سیاست تازه انگلیس

ادوارد براون

20-قانون انتخابات مجلس شورای ملّی 28 شوال 1329 در پنجاه‏ و سه مادّه.

21-قانون اساسی معارف 10 ذی القعدهء 1329 در بیست و هشت‏ مادّه.

غیر از اینها نیز بعضی قوانین جزئی دیگری تصویب شده که جمعا با آنچه مذکور شد سی قانون میشود علاوه بر 19 فقره قرارداد و استخدام مستخدمین خارجه و 12 فقره اجازه و امتیاز برای اقدامات‏ صنعتی و مالی و 21 فقره مطالب متفرّقه از دستور هیئت وزرا و جمع‏ و خرجهای موقّتی و غیره که تصویب شده و 109 فقره تصویب‏ راپرتهای کمیسیون بودجه راجع بمطالب مختلفه از مستمرّیها و غیره.

ضمنا این را در خاتمه باید گفت که معروف‏ترین اشخاصی که در این‏ قسمت تاریخ پرکار و بر اشکال حیات ملّی ایران تأثیر بزرگ داشته‏اند گذشته از شوستر آمریکائی میرزا ابو القاسم خان ناصر الملک،حاج علیقلی‏ خان سردار اسعد،یفرم‏خان،ارباب کیخسرو شاهرخ و میرزا حسین‏ خان مؤتمن الملک بودند.

امید برای ایران‏ سیاست تازهء انگلیس

در زیر عنوان فوق فاضل محترم استاد ادوارد براون انگلیسی‏ که صمیمیت ایران دوستی او را هر ایرانی شنیده است بمناسبت اظهارات‏ لرد کرزن در مجلس ملّی انگلستان راجع بایران مقالهء در روزنامهء انگلیسی منچستر گاردیان مورّخهء 26 ژانویه 1918 فرنکی(13 ربیع‏ الثّانی 1336)نوشته و دولت انگلیس را در مسلک دوستی بایران تشویق‏ میکنند.بیانات مشارالیه کاملا موافق آمان و مقاصد ایرانیان وطن‏پرست‏ است مخصوصا آنجا که انگلیس را بتبدیل مأمورین خود در ایران ترغیب‏ میکند.لکن باید بگوئیم که علاّمهء محترم بواسطهء دسترس نداشتن‏ بمأخذهای صحیح اخبار ایران در زمان جنگ دربارهء جوشش‏ حسیّات ایرانیان در بین جنگ و حسّ انتقام آنها از دشمنان دیرینه‏ سهو بزرگی مینمایند که آنرا بتحریکات آلمانی نسبت میدهند زیرا خود فاضل محترم خوب میداند که ایرانیان در نتیجهء مظالم بی‏پایان روس‏ و انگلیس چه دل پرخونی داشتند که محتاج بهیچ محرّک خارجی نبودند. اینک عین ترجمهء مقالهء مزبور:

«در مجلس سنای انگلیس لرد لامینگتن در روز دوشنبهء گذشته‏ سؤلاتی از لرد کرزن کرده و جوابی که مومی الیه راجع بسیاست آیندهء دولت انگلیس در ایران داده امید بخش‏ترین اعلام رسمی است که در این خصوص پس از مدّت مدیدی در این مملکت شنیده است.

این اعلام رسمی نه فقط یک مملکتی را که مدّتی است در نومیدی قدم‏ میزند و بت مرگ دست بگریبان است امیدوار میسازد بلکه یک تسلّی‏ بزرگی است برای کسانی که حسّ کرده بودند که رفتار ما در حق ایران‏ از روز بستن معاهدهء 1907(1325)و بخصوص از زمان قسمت‏ اخیر سال 1911 نه مناسب با شئونات ملّی ما بوده و نه موافق با مقاصد جنگی که اعلان کرده‏ایم و حمایت حقوق دول کوچک و ضعیف از آن جمله بود میباشد.

کسانی که کتاب بزرگ لرد کرزن را راجع بایران مطالعه کرده‏اند (یک ربع قرن پیش از این چاپ شده است و خود بهترین اثری است. راجع باین موضوع و بنای عالی است از تحقیقات صحیحه و اطلاعات‏ وافیه)و بهتر از همه کسانی که نطق فصیح و محبّت‏آمیز او را در 15 ماه نومبر 1911(23 ذی القعده 1329)در تاریکترین دقیقهء از ساعات‏ طالع ایران در«انجمن ایرانی لندن»کرد در خاطر دارند بخوبی خواهند فهمید که این فال نیک و مبارکی است که اظهار این ایضاحات بموقع‏ و امیدبخش نصیب مومی الیه میبایستی بشود.

راجع بتشکیلات تفنگچیها که سر پرسی سایکس در جنوب ایران‏ ترتیب داده لرد کرزن چنین میگوید:

(این قوّه باز هم همان قوّه ایست که در ابتدا در نظر بود و امیدوارم‏ که همیشه در همان شکل اصلی یعنی یک قوّهء ایرانی باقی بماند.از حیث اوصاف و ترکیب و تابعیّت یک قوّهء ایرانی است و اگر از میان‏ برداشته شود بیپ از همه خود ایران بزحمت خواهد افتاد.)

لرد کرزن علاوه بر این گفت:(بعد از جنگ حکومت انگلیس بی‏ میل نخواهد بود که دربارهء آتیهء این قوّه با یک کابینهء موافق ایران‏ مذاکره بکند).

ایرانیان هیچ‏وقت از استخدام فرنگیان در خدمات دولتی امتناع‏ نداشته‏اند و مخصوصا از استخدام انگلیسان.از آن جمله چند صاحب‏منصب‏ مشهور که در تاریخ ایران معروف شده‏اند از زمانی که سیر انتونی و سیر رابرت شرلی شاه عباس بزرگ را معاونت کردند تا بر ضدّ عثمانیان‏ تشکیل اردو داد و سه قرن بیش جزایر هرمز را از دست پرتگالیها گرفت.

روابط میان ایران و انگلیس که تا ده سال اخیر اغلب دوستانه بوده‏ است یک فصل مهمّ‏تری را در تاریخ ایران میگیرد.

حتّی در موقعی که حکومت انگلیس برای حفظ معاهدهء 1907(1325) مجبور بود خود را ببعضی کارها شریک بسازد و مخصوصا فرقهء دمکرات‏ ایران دربارهء سیاست انگلیس حدّ اعلای سؤ ظنّ داشت یکی از صاحب‏ منصبان انگلیسی بود که اعتماد و مودّت آنان را جلب کرد تا در ماه جولای‏ 1911(رجب 1329)تقریبا باتّفاق آراء ریاست قراسورانی خزانه‏داری را باو ارزانی داشتند.

در نتیجهء اعتراضاتی که حکومت تزار(روس)در قبول کردن این‏ ماموریّت کرد چون ایرانیان دیدند که در انتخاب مرد انگلیسی مخالفت‏ واقع مسشود از راه ناچاری بصاحب‏منصبان سوئدی مراجعت کردند که بنتایج لرد کرزن اشاره کرد و آنقدر واضح است که احتیاج‏ بذکر ندارد.

امّا دربارهء معاهدهء 1907(1325)روس و انگلیس لرد کرزن اظهار میدارد که«غرض از آن سکته وارد آوردن باستقلال و مصونیّت ایران‏ نبوده بلکه این بود که برقابتی که میان دو دولت خارجی مدّت مدیدی در ایران جایگیر بود خاتمه داده شود.»

بدون شکّ اساس آن عهدنامه این‏طور بوده است چنانکه سیر سه سیل‏ سپرینگ رایس‏1نیز آنوقت سفیر انگلیس در ایران بود در یادداشت‏ معروف مورّخه 4 سپتامبر 1908(1326)خود بوزارت‏ خارجهء ایران اظهار نموده بود.

بدبختانه فشارهای دائمی حکومت تزار سابق روس بخصوص پس از حصول ائتلاف در میان حکومت روس و آلمان در پوتسدارم در 5 نوامبر 1910(2 ذی القعده 1328)بائتلاف روس و انگلیس یک شکل دیگری‏ داد که بکلّی مغایر با شکل اصلی بالّنسبه بیغرضانه‏تر آن بود و کم‏کم نه تنها بتقسیم اقتصادی بلکه به تقسیم سیاسی ایران منجّر گردید.

در حین آغاز جنگ بین المللی و مخصوصا پس از دخول عثمانی بجنگ‏ در پهلوی دول مرکزی اروپا دولت آلمان بسرعت خواست از نارضائی‏ ایرانیان از سیاست روس و انگلیس استفاده نموده و یک تحریکات‏ ماهرانه و دور اندیشانهء در ایران بعمل بیاورد تا ایرانیان را بطرف خود بکشد و اگرچه ایران بالأخره بیطرفی خود را اعلان کرد ولی چیزی‏ نمانده بود که بدین تحریکات فریفته بشود.

باوجوداین و با آنکه بیطرف مانده آنقدر خسارت و صدمه بایران‏ وارد شد که اگر داخل جنگ شده بود بیش از آن نمیشد و تمام ایالات‏ غربی ایران بخصوص از تبریز تا همدان و کرمانشاه و تا قم و کاشان و اصفهان و شیراز بواسطهء قشونهای رقیب بنسبت مدّ و جزر اردوهای‏ آنها در رفت و برگشت خراب و تباه گردید.

حالا ما میتوانیم امیدوار بشویم و باور بکنیم که وقت آن رسیده است‏ که ایران تلافی این خسارتها را ببیند.

کرزن میگوید که تبدّلات بزرگی که در اوضاع روسیّه در این حوادث‏ اخیر بعمل آمده بهترین وسیله ایست برای حکومت انگلیس که صداقت‏ خود را بدین طریق اثبات بکند که هرگونه علایم تجاوز را باستقلال‏ سیاسی و مصونیّت خاکی ایران بطور قطعی برطرف سازد.

در پایان بیان خود میگوید که ما بحکومت ایران اطّلاع دادیم که‏ ائتلافنامهء 1907 از این ببعد در عهدهء تعویق است.

از آنجا که ائتلاف روس و انگلیس که همیشه مایهء انزجار ایرانیان‏ شده بود از طرف اداره‏کنندگان امروزی روسیّه و همچنین از طرف‏ حکومت اخیر روسیّه که اینان جانشین آنها شدند ابطال شده و از آنجا که‏ دولت انگلیس نیز حالا اعلان میکند که آن ائتلاف در عهدهء تعویق است‏ زمینهء برای یک سیاست تازه‏تر و دوستانه‏تر در ایران صاف شده است‏ و این همان سیاست است که در 15 نوامبر 1911(23 ذی القعده 1329) لرد کرزن در نطق خود با کمال حسن نیّت اظهار کرده است.

(1) Spring Rice

بالأخره مقتضیات یک چنین سیاست بنظر میآید که از این قرار باید بشود:

1-ابطال کلّی منطقه‏های نفوذ که ائتلاف روس و انگلیس بوجود آورده و یاد آن همیشه در خاطرها تولید انزجار خواهد کرد اگرچه‏ خطرات هم نداشته باشد.

2-معاونت مالی کافی با شرایط منصفانهء خالی از قیود سیاسی و اقتصادی توهین‏آمیز و وحشت‏انگیز.

3-الغای نظارت مشترک حکومت انگلیس و حکومت هند در کارهای‏ ایران.این مداخلات نه تنها در این سالهای اخیر بلکه از یک قرن بدین‏ طرف مایهء بسی هرج‏ومرج و تزلزل در سیاست ما گردیده و لازم‏ بود که فقط و کاملا این سیاست از طرف حکومت انگلستان اداره شود.

4-در انتخاب مستشارهای مالی و غیره در آنچه که دولت ایران‏ لازم داشته باشد آزادی کامل بدولت ایران داده شود.یکی از مستشاران‏ مالی خارجه که بخوبی در جلب اعتماد ایرانیان کامیاب شده بود مورگان شوستر بود و اگر ممکن میشد که مومی الیه و یا یکی از امثال او واداشته میشد که‏ دوباره اصلاح امور مالی ایران را از همانجائی که شش سال پیش ترک‏ شده بدست گیرد برای احساسات ایرانیان یک نوازش خوش‏آیندی‏ و یک اعلان فصیح و عملی از سیاست دوستانهء ما نسبت بدان مملکت میشد و هم یک اسباب تعارف و مهربانی در حقّ متّحد خودمان دولت امریکا میگشت.

5-بالأخره آنچه از همه مهمتر است آنست که همه‏گونه جدّ و جهد باید بشود تا دولت انگلیس در ایران رجال سیاسی و قونسولها و صاحبمنصبان‏ خود را از اشخاص معیّن نماید که در نظر ملّت ایران معروف بدوستی‏ ایران و داشتن حسیّات خوب نسبت بآن ملّت که خصوصا آن همه مجذوب‏ محبّت و قدردانی است باشند.

اسامی چند تن از این قبیل اشخاص که از ایران برداشته شده و بممالک‏ دیگر فرستاده شده‏اند معلوم است و البتّه اگر آنها بایران مراجعت میکردند اثرات خوب می‏بخشید و بیش از همه ایرانیان را قانع میکرد که سیاست‏ جدید لرد کرزن حقیقت و جدیّت دارد و محلّ تصدیق اکثریّت بزرگ‏ ملّت انگلیس است.»

ادوارد براون.

نظر اجمالی باوضاع ایران

مسئلهء قوّهء نظامی انگلیس معروف به«پلیس جنوب»با وجود عدم‏ رضایت ایرانیان و شکایات متوالی از اقدامات بیرویّهء آنها و داد و فریاد روزنامجات باز از طرف انگلیسها بشدّت تعقیب شده و اتّصالا درصدد توسیع دایرهء آن هستند.خصوصا در این اواخر خیلی بکوشش خود افزوده و عدّهء از افراد قراسورانهای سابق ادارهء سوئدی را بوسیلهء زیاد کردن مواجب از ماهی شش تومان قدیمی بپانزده تومان داخل